

یادداشت

درباره نمایش «برفک»، کاری از جواد عاطفه این نمایش اذیتم می‌کند!



● نمایش «برفک» اذیتم می‌کند، واگویه‌های تک‌شخصیت اثر مانند تیزی بر حافظه‌ام فرود می‌آید و خون خاطرات از جای‌جای ذهن بیرون می‌ریزد. تلخی فرصت نمی‌دهد از آنچه دیدهام فاصله انتقادی بگیرم و با زبان سرد از فضای یخ‌زده، تهی و بی‌فرجام ماجرای نمایش بگویم. از بازی پرانرژی تنها بازیگر، از شیخ‌هایی که در جای‌جای صحنه هستند و نیستند. با حسی از کم‌گشتگی به مداری می‌نگرم که در اثر، آغازش همان پایان است و پایانش همان آغاز! برفک، زندگی همه ماست که همیشه فکر می‌کنیم کم آورده‌ایم و به دنبال رهایی، مفری در فضای بی‌مفر، به بن‌بست می‌رسیم! ما در یک حلقه بسته به دام اقتادیم و این نمایش به‌درستی این پدیده را نمایش می‌دهد. جواد عاطفه نمایش‌هایش را از دیالوگ تهی می‌کند و پناهنده مونولوگ می‌شود. او در چند نمایش گذشته‌اش همین فرم را تکرار می‌کند. شاید با غیاب گفت‌وگو، راز خم‌شدگی روی تقدیر ناگزیرمان را افشا می‌کند، چون همه ما به درون انزوا می‌لغزیم و آن دیگران چیزی جز شیخ زخم‌زننده نیستند، چارهای جز حرف‌زدن از و با خودمان نداریم. شبکه‌ای از بی‌ارتباطی‌ها که زندگی را مبدل به شکنجه دائمی می‌کنند، حتی ایده‌هایمان برای گریز یک وهم خوفناک از کار درمی‌آیند. به همین دلیل نمایش را دهمش فیاض نام‌گذاری می‌کنم. دلایلش را در پاراگراف بعدی می‌نویسم. بازی درخشان عاطفه پاکیزانیا، بازی بسیار سخت و دشواری است. او در یک تک‌گویی مداوم ما را همراه خود می‌کند و با ما حرف می‌زند و ما با آنچه در ذهنمان می‌گذرد، با درگیرشدن و فکرتکردن به او و خودمان پاسخخ را می‌دهیم. برای خروج از تئاتر شهر در دالان‌های پیچایی کم می‌شوم و حس نمایش در من تداوم می‌یابد. با خود تکرار می‌کنم آیا راه گریزی هست؟! انسان اگر دست به عمل بزند و راه به خودانتقادی بکشد و اهل گفت‌وگو با هم شویم، بی‌تردید نیرومندتر از سرنوشت می‌شویم. آیا این یک امید واهی است، حتماً واقعی است. یکی از کارکنان تئاتر شهر کمک می‌کند راه خروج را پیدا کنم. از در که بیرون می‌زنم، ترک و باران خیس می‌کند، اما ترجیح می‌دهم ندوم و آرام خودم را به ایستگاه متروی تئاتر شهر برسانم. حتی از عودکردن سینوزیت‌مم نمی‌ترسم. نسیم و هوای بارانی به وجدم می‌آورد. چقدر حالم خوب می‌شود. نوشتن دقیق‌تر از نمایش را می‌سپارم به بعد. شاید این باران مکمل نمایش «برفک» است و نشانه آثار پیش محکوم به امیدداشتن است. نمایش با تلخی راه رستگاری را نشانمان می‌دهد و درین‌حال پرستی را در ذهن می‌کارد: آیا امکان و توان رستگاری هست؟!

خبر

جایزه دکتر مجتبیایی در پله هشتم

● مراسم اهدای جوایز به برگزیدگان هفتمین دوره جایزه دکتر فتح‌الله مجتبیایی در روز سه‌شنبه ۲۵ دی، ساعت ۱۶:۳۰ در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نیش کوچه سوم برگزار می‌شود. در این مراسم، گزارشی از پایان‌نامه‌های ارسالی به هفتمین دوره جایزه ارائه می‌شود و دکتر فتح‌الله مجتبیایی، دکتر محمود عابدی، دکتر علی‌اشرف صادقی، دکتر تقی پورنامداریان، دکتر حسین معصومی‌همدانی، دکتر محمدرضا موحسّی و علی‌اصغر محمدحالی، درباره وضعیت پژوهش‌های ادبی و عرفانی و پایان‌نامه‌های دو حوزه زبان و ادبیات فارسی، ادیان و عرفان سخن می‌گویند.



درخشش عکس‌های دفاع مقدس در «دهمین حراج تهران»

گروه هنر: دهمین دوره حراج تهران، هنر معاصر ایران، شامگاه جمعه، ۲۱ دی‌ماه ۹۷، در هتل پارسیان آزادی آغازبه‌کار کرد و همه آثار عرضه‌شده در حراج تهران با ارتقای رکوردی تازه برای این رویداد، درمجموع به مبلغ ۳۴میلیارد و ۴۰۳ میلیون تومان فروخته شد که رشد بیش از دوبرابری آن در مقایسه با دوره قبل حراج هنر معاصر ایران (دی‌ماه ۱۳۹۶)، خلق دستاورد تازه‌ای برای مارکت هنر معاصر ایران به شمار می‌آید. بالاترین رکورد فروش این دوره به منیر فرمانفرمایان، بانوی نقاش ۹۶ساله رسید که در دوره قبل حراج هنر معاصر نیز رکورددار فروش آثار شده بود و برای دومین‌بار این افتخار را از آن خود کرد. منیر فرمانفرمایان، حسین زنده‌رودی، بهمن محصص، فرهاد مشیری، کوروش شیشه‌گران، کامران یوسف‌زاده (وای. زی. کامی) و ژازه تباتبایی هفت هنرمند میلیاردی دهمین حراج تهران شدند. اثری از پرویز کلانتری با قیمت ۴۶۰ میلیون تومان و اثری از منصور قدریز از نقاشان سقاخانه‌ای، با قیمت ۴۰۰ میلیون تومان فروخته شدند. آثار هنری معاصر نیز در این حراج به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند؛ ازجمله مجسمه دولته‌ای «شاهد سرخ» از پویا آریان‌پور با قیمت ۵۵۰ میلیون تومان، اثر سه‌لته‌ای «چشم خدا» از مجموعه معراج از شهریار احمدی با قیمت ۴۸۰ میلیون تومان، مجسمه چیدمان «دیوار بهمن» از محمود بخشی ۴۰۰ میلیون تومان به فروش رسیدند. همچنین نقاشی سه‌لته‌ای از افشین بیرهاشمی با رقم ۳۸۰ میلیون تومان، اثر «ان ول آب ت» از رکنی حائری‌زاده ۳۶۰ میلیون تومان فروخته شدند. مجسمه دولته‌ای «جفت» از محمدحسین عماد با قیمت ۳۲۰ میلیون تومان، مجسمه «توزیه» از سهند حسامیان با قیمت ۲۹۰ میلیون تومان، نقاشیخط عدرا عقیقی‌بخشایشی، اثر نقاشی محمدعلی ترقی‌جاه و مجسمه «شیران علم» از رضا لواسانی هرکدام با قیمت ۲۸۰ میلیون تومان از فروش‌های موفق آثار هنر معاصر در این دوره از حراج بودند. از دیگر فروش‌های درخورتوجه این دوره، اثر نقاشی خط زنده‌یاد فرامرز پیلارام بود که با رقم ۳۶۰ میلیون تومان فروخته شد. اثری دیگر از این هنرمند که در این دوره از حراج تهران حضور داشت، قبل از شروع حراج از این رویداد خارج شد. همچنین اثر «بارگاه» از واحد خاکدان و نقاشی «سه سواره» از زنده‌یاد صادق تبریزی هرکدام با رقم ۳۴۰ میلیون تومان به فروش رسیدند. اثر نقاشی خط علی شیرازی، دو تابلو از مجموعه آثار کاهنگی زنده‌یاد پرویز کلانتری و عکسی از زنده‌یاد عباس کیارستمی هرکدام با رقم ۲۶۰ میلیون تومان فروخته شدند. اثر «بازی‌کردن ۴» از مهرداد محب‌علی و اثری از بیژن بصیری نیز هرکدام با رقم ۲۴۰ میلیون

هنر



عکس به فروش رسیده از محمد فریود در حراج تهران

تومان چکش خورد.پرتره عباس کیارستمی، اثری از فرشید مثقالی، با قیمت ۱۴۰ میلیون تومان چکش خورد و آثار نقاشی جلال شباهنگی، ناصر اویسی و مجسمه «عشق» از محمدحسین غلامزاده هر کدام روی رقم ۱۳۰ میلیون تومان ایستادند. چهار اثر از ناصر اویسی، نصرت‌الله مسلمیان، «تصویر خیال» از بهمن جلالی و مجسمه «گروگان» از بهمن دادخواه هر کدام با رقم ۱۲۰ میلیون تومان در این حراج چکش خوردند. نقاشی منوچهر نیازی با رقم ۱۱۰ میلیون تومان و همچنین اثر «هجوم» از مجموعه کویری‌ها از علی فرامرزى با قیمت ۱۱۰ میلیون تومان که چند برابر برآورد اولیه بود، چکش خورد. اثر «وجد» از هادی هزاوه‌ای نیز با رقم ۱۰۰ میلیون تومان فروخته شد. اثر «رؤیای نیویورک شماره ۲» از بیتا وکیلی با قیمت ۹۰ میلیون تومان، اثر منوچهر معتبر و نقاشی چهارلته‌ای از رضا بانگیز با قیمتی چند برابر برآورد اولیه با رقم ۸۵ میلیون تومان فروش رفت.

رکورد عکس «فتح خرمشهر» در ایستگاه دهم

عکس «فتح خرمشهر» از سعید صادقی، هنرمند انقلابی، با رقمی چندین برابر برآورد اولیه آن با قیمت ۷۵ میلیون تومان چکش خورد.

گفت‌وگو با پیمان معادی به بهانه اکران فیلم سینمایی «بمب؛ یک عاشقانه»

بیشتر از فروش فیلم، رضایت مردم برایم مهم است

مهم‌اند.

برای من هم مهم‌اند.

✎ در فیلم «بمب…» سکانس‌هایی مملو از ریزه‌کاری‌های طنازانه بود که خیلی خوب از آب درآمد؛ مثل شوخی‌های بهادر مالکی و… اگر شخصیت اصلی فیلم ایرج باشد، شما برای اینکه این شخصیت شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی به‌شدت زیر فشار بودم و به من می‌گفتند که شما قصد تمسخر داشتید. جشنواره‌های خارجی هم به دلیل همین شعارها فیلم را نپذیرفتند. می‌گفتند شما دارید مرگ برر فلان‌ها را ترویج می‌دهید! اما من کارم را انجام دادم. چون فیلم را به سفارش جشنواره‌های خارجی یا وزارت ارشاد نساختم‌ام». در ادامه شما را

فرانک آرتا: در شماره گذشته گفت‌وگویی با پیمان معادی به بهانه اکران فیلم سینمایی «بمب؛ یک عاشقانه» انجام شد. در بخشی از این گفت‌وگو معادی درباره شرایط ساخت فیلم اعیرش گفت: «در دو فیلمی که ساختم‌ام نه دنیا داشته‌ام و نه آخرت را! در ایران برای گرفتن مجوز به خاطر شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی به‌شدت زیر فشار بودم و به من می‌گفتند که شما قصد تمسخر داشتید. جشنواره‌های خارجی هم به دلیل همین شعارها فیلم را نپذیرفتند. می‌گفتند شما دارید مرگ برر فلان‌ها را ترویج می‌دهید! اما من کارم را انجام دادم. چون فیلم را به سفارش جشنواره‌های خارجی یا وزارت ارشاد نساختم‌ام». در ادامه شما را به خواندن بخش دوم این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم:

✎ شما در دو فیلم درجه یک اصغر فرهادی کار کرده‌اید؛ با رخشان بنی‌اعتماد «قصه‌ها» و اکار کرده‌اید؛ اما حتی نامزد هم نشدید و جایزه هم نگرفتید. بالاخره سالم کارکردن باعثش را هم دارد. حتی مشکل هم برایت ایجاد می‌کنند! مجوزی که دیگران در دو هفته می‌گیرند برای من شش ماه طول کشید! مجوز اکرانی که همه دو ماهه می‌گیرند، من یک‌ساله می‌گیرم. ناراحت هم نیستم. از این به بعد هم همین رویه را خواهم داشت. ۱۰ سال بعد هم جایزه ندهند، اشکالی ندارد. اما امروز سرم را بابت رزومه کاری‌ام بالا می‌گیرم. اگر سیمیرخ داشته باشم و شما اسم فیلم‌هایم را به خاطر نداشته باشید یا فروش نکرده بودند، سیمرخ‌هایم را دوست نخواهم داشت؛ ولی وقتی به فیلم‌هایم نگاه می‌اندازم، کیف می‌کنم.

✎ البته برای مخاطبان حرفه‌ای سینما، این اتفاقات

«اصلاحیه»

پیرو انتشار آکهی شماره ۳۳۲۶ مورخ ۹۷/۱۰/۰۵ در خصوص آکهی فراخوان مزایده عمومی موضوع پروژه‌های «طراحی، احداث تجهیز، راه‌اندازی و بهره‌برداری موقت از پروژه‌های ذیل به منظور بازار روز» جهت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، بدینوسیله ضمن اصلاح مبلغ پایه سود سالیانه به شرح جدول ذیل، به اطلاع کلیه متقاضیان می‌رساند مهلت قبول پیشنهاد نرخ و پاسخ به فراخوان مزایده از تاریخ انتشار این آکهی به مدت ۱۴ روز کاری تمدید می‌گردد.
حداکثر مهلت تحویل پاکات تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ می‌باشد.
تاریخ برگزاری کمیسیون مزایده و رسیدگی به پیشنهادات راس ساعت ۱۳:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۶ در محل سالن جلسات سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده‌های کشاورزی شهرداری اهواز واقع در اهواز- راه‌بند پیچ میدان بارفروشان سابق می‌باشد.
همچنین جلسه‌ای جهت بازدید از محل در روز شنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۳ به شرح ذیل در محل پروژه‌ها برگزار می‌گردد.

محل پروژه	مبلغ پایه سود سالیانه	ساعت بازدید از محل
قطعه زمینی واقع در کوی مهاجرین بلوار فرشید ۲ به منظور بازار روز	۱/۷۹۲/۰۰۰/۰۰۰	۱۰صبح
قطعه زمینی واقع در شهرک الهیه به منظور بازار روز	۱/۶۵۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۴ بعدازظهر
قطعه زمینی واقع در بهارستان روبه‌روی تالار تیرازه به منظور بازار روز	۱/۶۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ظهر

اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری اهواز

دهمین حراج تهران

همچنین عکسی با عنوان «سوم خرداد ۶۱- خرمشهر» از محمد فرنسود با چند برابر برآورد اولیه با پای قیمت ۱۸ میلیون به قیمت ۷۰ میلیون تومان چکش خورد. اثر پروانه اعتمادی و نقاشی «پرسه» از ایرج کریمخان‌زند نیز هر کدام با رقم ۷۵ میلیون تومان فروخته شدند. تابلوی شماره ۳ از مجموعه پرسونا از بابک روشنی‌نژاد با عنوان «شما این وقت شب اینجا چه کار می‌کنید؟». اثر مقدار لریور و مجسمه‌ای از مونا پاد نیز هر کدام روی قیمت ۷۰ میلیون تومان ایستادند. یک اثر نقاشی از هنرمند جوان حسن روح‌الامین که به مجموعه «عصیان» او تعلق دارد، در اولین حضور خود در این حراج با چهار برابر قیمت پایه با رقم ۶۵ میلیون تومان به فروش رسید. اثر طاهره صمدی‌طاری و یک نقاشی از مصطفی دشتی هر کدام با همین رقم چکش خوردند. اثر فریدون امیدی، نقاشی دو لته‌ای «سال سک» از رضوان صادق‌زاده، اثر طلیعه کامران و یک اثر از اسدالله کیانی نیز هر کدام ۶۰ میلیون تومان فروخته شدند. چهار اثر شامل آثار نقاشی اصغر محمدی، علی نصیر، سیاوش مظلومی‌پور و مجسمه «رنیس» اثر علیرضا معصومی هر کدام با قیمت ۵۵ میلیون تومان فروخته شدند. نقاشی آرمان یعقوب‌پور با قیمتی چند برابر برآورد اولیه و نقاشی سه‌لته‌ای «ستایش مجوسان» اثر یحیی گمار از جوان‌ترین هنرمندان این دوره از حراج هر کدام با قیمت ۵۰ میلیون تومان به فروش رسیدند. اثری از امید حلاج، نقاشی سعید احمدزاده با عنوان «وقتی که خورشید شویم» از مجموعه اسپکتروم هر کدام با قیمت ۴۸ میلیون تومان چکش خوردند. اثر دولته‌ای «خسرو و شیرین» از ایرج اسکندری هنرمند انقلاب که برای اولین‌بار در این حراج حضور دارد، با رقم ۴۶ میلیون تومان فروش رفت. اثری از حمید عجمی، از هنرمندان حوزه هنری؛ نقاشی «باغ سبوحته»، اثر کاظم جلیلا، از هنرمندان انقلاب و دفاع مقدس؛ اثری از طاهر پورحیدری و تابلو «باران» از محمدسعید نقاشیان، از هنرمندان حوزه هنری که برای اولین‌بار در این حراج حضور دارد هر کدام با رقم ۴۲ میلیون تومان فروخته شدند. محمد خلیلی و مهدی فلاح نیز آثارشان روی قیمت ۴۰ میلیون تومان ایستاد. یک تابلونقاشی از مکرمه قنبری، نقاش خودآموخته و عکسی با عنوان «نیایش»، از جمشید بایرامی با رقم ۳۸ میلیون تومان چکش خورد. آثار نقاشی کتایون مقدم، نقاشی دولته‌ای از داریوش قره‌زاد و یک اثر از حامد صحیحی هر کدام روی رقم ۳۶ میلیون تومان ایستادند. آثار علی مشهدی‌الاصل، نقاشی حبیب‌الله صادقی نقاش انقلاب و دفاع مقدس و اثری از احمد محمدپور هر کدام با رقم ۳۴ میلیون تومان فروخته شدند.

توقیف فیلم «بمب؛ یک عاشقانه»

از تجربه است و برای هر کاری، کلی تحقیق می‌کند. با احسان رسول‌اف خیلی گپ زدم. از تجربیات مدرسه و بمباران تهران و او بعنوان تهیه‌کننده پای کار آمد؛ چون دغدغه‌اش را داشت. هرکدام از آنها چیزهایی به ماچرا اضافه کردند. آقای شاه‌ابراهیمی سه ماه تمام آتچا کار می‌کرد. ایرج شهزادی بعد از صابرداری چند ماه روی صداگذاری و طراحی صدا کار کرد. محمد لطفعلی لحظه‌ای برای کار کم نگذاشت. اگر قرار بود دقت نداشته باشیم، این‌قدر سخت نمی‌گرفتیم؛ ولی هدف ما این بود که المان‌ها را به رخ نکشیم. برای ما قصه‌ای که تعریف می‌کردیم، مهم بود.

✎ چرا از خانم النی کاربندرو دعوت کردید تا موسیقی فیلم را بسازد؟

هرچه به ساخت فیلم نزدیک‌تر می‌شدم، به طور اتفاقی برای اینکه در فضای فیلم قرار بگیرم، موزیک‌های خانم النی کاربندرو را گوش می‌کردم. من سال‌ها طرفدار این خانم بودم. آن ملودی و جنس کاری که در فیلم‌های آنگلوپولوس اتفاق می‌افتاد، با چیزی که در ذهنم بود، همسو شد بود. فیلم که ساخته شد و به موسیقی رسیدم، خردار شدم ایشان بعد از مرگ آنگلوپولوس که دیگر کار نمی‌کند؛ ولی شناسم را امتحان کردم و زمانی که دراور جشنواره بیان بودم، به من گفتند می‌توانیم ارتباط شما را با ایشان برقرار کنیم و اگر از پروژه خوشش بیاید، ممکن است با هم کار کنیم. ایشان فیلم تدوین شده را دید و عاشقش شد و گفت تو باعث شدی دلم بخواهد دوباره کار کنم و تقریباً به طور رایگان این کار را انجام داد. اوته‌هایی را برایم فرستاد که دوست داشتم و احساس کردم بهترین انتخاب بود و به نظرم انتخاب بهتری نمی‌توانستم داشته باشم. خوشحالم که آدم‌های سراسر دنیا این موهبت را داشتند که یک موسیقی دیگر از ایشان بشنوم.

✎ بااین حال چرا موسیقی فیلم موزج است؟

فیلم من متعلق به ۳۰ سال قبل بود و خارج از کشور تصحیح رنگ کردیم که شبیه عکس‌های قدیمی شود. حتی دور کادراهی پلان‌های فیلم گرد است. جنس فیلم‌برداری متعلق به آن دوران است و دلم می‌خواست موسیقی‌های هم مدل ۳۰ سال قبل باشد که آن زمان موسیقی‌ها ملودیک‌تر بود. الان آمیباس آن بیشتر شده. سازهای خوب جهان موسیقی‌های کم‌ملودی‌تر می‌سازند که خیلی هم خوب هستند؛ اما من دلم می‌خواست مدل موسیقی موریکونه و نیاروتا ساخته شود. الان این اتفاق در فیلم‌ها نمی‌افتد؛ مگر اینکه فیلم «سینما پارادیزو» را نگاه کنید و موسیقی موریکونه را بشنوید؛ با این «پدرخوانده» موسیقی نیاروتا را گوش دهید.

✎ از استقبال مردم راضی هستید؟

خیلی خوشحالم. زمان خوبی برای اکران نیست؛ اما سالن‌ها پر هستند. بیشتر از فروش فیلم، رضایت مردم برایم مهم است. به‌رحال شما فیلم را برای مردم می‌سازید، جشنواره، منتقد و داور همیشه سبایه‌لیشکرها هم لباس دوخته شد و گریم شدند. راهی جز این برای دقیق کارکردن وجود ندارد. تمام عوامل تیم را از کسانای انتخاب کردم که روزهای موشک‌باران را تجربه کرده باشند. محمود کلاری آن روزها عکاسی هم می‌کرده و خیلی هم عکس‌های خوبی گرفته. مهرداد میرکایی و ایرج شهزادی از دل آن دوره می‌آیند. محسن شاه‌ابراهیمی علاوه‌بر اینکه آن روزها را لمس کرده، پر

زیر آسمان فیروزهای

بزرگداشت دکتر محمود زندمقدم، پژوهشگر مردم‌مدار برگزار می‌شود

● **گروه هنر:** به همت انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن انسان‌شناسی و انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و با همکاری اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و انتشارات دنیای اقتصاد، بزرگداشت دکتر محمود زندمقدم، راوی حکایت بلوچ و پژوهشگری مردم‌مدار، برگزار خواهد شد.این مراسم که با حضور مقامات کشوری و با سخنرانی سیدحسین سراج‌زاده، رئیس انجمن جامعه‌شناسی و هادی خانیکی، رئیس انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، آغاز خواهد شد؛ ضمن نمایش فیلم مستند زندگی دکتر زندمقدم و نیز نمایش «مستند قلعه» در دو نشست تخصصی، به بررسی کتاب‌های «حکایت بلوچ» و «قلعه» این پژوهشگر مردم‌مدار خواهد پرداخت.سخنرانان نشست نخست برای بررسی کتاب «حکایت بلوچ» نهال نفیسی، احمد اشرف-به‌وسیله ویدئوکنفرانس- اسماعیل آزادی و عبدالودود سپاهی خواهند بود و نشست دوم برای بررسی کتاب «قلعه»، با سخنرانی میرطاهر موسوی، سعید مدنی و لیلا ارشد بی‌گرفته خواهد شد. این بزرگداشت که در روز دوشنبه، ۲۴ دی‌ماه، در تالار ایوان شمس-واقع در ابتدای بزرگراه کردستان- برگزار خواهد شد، از ساعت ۱۴ تا ۱۷:۴۵ پذیرای علاقه‌مندان به آثار ایشان و جست‌وجوگران حوزه علوم اجتماعی خواهد بود.

مستندی درباره فائزه هاشمی توقیف شد

● **گروه هنر:** درحالی‌که برنامه‌ریزی‌ها برای اکران فیلم مستند «مثل یک زن»، به کارگردانی مرژان ایلاتلو، در گروه سینمایی هنر و تجربه انجام شده بود، خبر از توقیف نمایش عمومی آن حاشیه دیگری برای این فیلم مستند ایجاد کرد. ایلاتلو دراین‌باره به ایسنا از حکم توقیف نمایش این اثر گفته است؛ اینکه تا اطلاع ثانوی به دلیل مفتوح‌بودن پرونده قضائی فائزه هاشمی هرگونه اکران این اثر توقیف شده است. این در حالی است که اکران شهرستان‌ها از چند روز پیش و تمام اکران‌های تهران از صبح ۲۲ دی‌ماه توقیف شدند.او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «آقای حسین پارسایی از طرف وزارت ارشاد به من نامه‌ای را نشان دادند که بر اساس آن متأسفانه هرگونه اکران این اثر توقیف شده است. این در حالی است که اکران شهرستان‌ها از چند روز پیش توقیف شده بود. حتی پروانه تک‌نمایش‌هایی را که برای این مستند وجود داشت هم از ما گرفتند و هرگونه اکران و نمایشی را توقیف کردند. ما تاکنون تنها دو اکران نمایشی که خوشبختانه با استقبال خوبی هم مواجه شد، یکی از نمایش‌ها در خانه هنرمندان و دیگری در سینما فرهنگ بود که هر دو سالن هم بر از جمعیت بودند و حتی پلیت به تعدادی از مراجعه‌کنندگان نرسیده. این مستنددار را پاسخ به این سؤال که آیا باید مجدداً تغییراتی در این اثر انجام دهد تا اجازه نمایشش صادر شود، گفت: «من تغییرات لازم را در فیلم داده بودم، بنابراین با کلیت موضوع فیلم و شخصیتی که این مستند به آن پرداخته شده است مشکل داشتن و در متن نامه اشاره شده که به دلیل مفتوح‌بودن پرونده فائزه هاشمی این توقیف‌صورت گرفته‌است».او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «وزارت ارشاد و شخص وزیر همکاری لازم را در رابطه با اکران این مستند با من نداشته‌اند، بنابراین، این حکم از خارج از اداره ارشاد صادر شده است. بااین‌حال در آن نامه اعلام شده که تا اطلاع ثانوی این اثر توقیف‌فیلم‌های و امیدوارم این اطلاع ثانوی زیاد طول نکشد، سوءتفاهمات برطرف شود و تماشای مجددش روی پرده به عمر من کفاف دهد».او ادامه داد: «اگر دشواری در ایران فیلم بسازم و توقیف شوند باز هم در همین مملکت و با همین شرایط و درباره همین سوزهای سیاسی فیلم خواهم ساخت و برای اکران آن جا نمی‌زنم».

فیلم‌های بخش «نسل» برلیناله معرفی شدند

«تتو» نماینده ایران

● فیلم کوتاه «تتو»، ساخته فرهاد دل‌آرام به نمایندگی از سینمای ایران در شصت‌ونهمین دوره جشنواره برلین حضور خواهد داشت، شصت‌ونهمین برلیناله‌که از ۷ تا ۱۷ فوریه ۲۰۱۹ (از ۱۸ تا ۲۸ بهمن) برگزار می‌شود، اسامی شرکت‌کنندگان در بخش «فیلم‌های کوتاه» یا «نسل» این دوره را نیز معرفی کرد.فیلم‌های این بخش از میان نزدیک به دوهزارو ۵۰۰ شرکت‌کننده انتخاب شده‌اند و درمجموع ۶۲ فیلم کوتاه و بلند از ۳۶ کشور و تولیدکننده در دو بخش «کا پلاس» و «۱۴ پلاس» به نمایش درمی‌آیند.فیلم ایرانی حاضر در این بخش که تاکنون تنها نماینده سینمای ایران در جشنواره شصت‌ونهم برلین محسوب می‌شود، فیلم کوتاه «تتو» است. جشنواره برلین امسال (۲۰۱۹) برخلاف معمول سال‌های اخیر فیلم بلندی از ایران انتخاب نکرده، اما سینمای ایران در بخش «نسل» برلین یک نماینده دارد؛ فیلم کوتاه «تتو»، به کارگردانی فرهاد دل‌آرام.بخش «نسل» از بخش‌های اصلی و رقابتی جشنواره برلین است که در دو بخش کوتاه و بلند برگزار می‌شود.سال گذشته سینمای ایران با فیلم بلند «دسرا» در این بخش حضور داشت که در پایالن نیز تقدیر ویژه هیئت داوران این جشنواره را از آن خود کرد.